



بررسی عوامل مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی در عصر حاضر

سودابه سامانی فر^{۱*}، علی مروتی

^{۱*} (نویسنده مسئول) دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه علم و هنر یزد واحد اردکان، اردکان، ایران، s.samanifar^{۱۵}@gmail.com
^۲ استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

چکیده

دست‌ساخته‌های سنتی ایران، در گذر تاریخ چند هزارساله خود از آغاز، همواره از یک روندی منطقی برخوردار بوده و همیشه خود را با پیشرفت دانش و فن هماهنگ ساخته‌اند. اما این روند منطقی از سال‌های پایانی دوره صفویه به این‌سو، تراز و تعادل خود را از دست می‌دهد و پیرو آن کم‌کم هنرهای سنتی ایران دچار ایستایی می‌شود. صنایع دستی ایران امروزه و با گرایش به گذشته درخشان خود از دردسرهای مشکلاتی رنج می‌برد و به‌دلایل گوناگون از پویایی و شادابی خوبی برخوردار نیست. در این بررسی، ریشه‌های مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی با روش تحلیل سلسله مراتبی، بررسی شد. این پژوهش بر مبنای ماهیت، از نوع پژوهش‌های بنیادی، و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، به روش کیفی انجام شده است. قلمرو مکانی شهر اصفهان و جامعه هنرمندان قلم‌زن و قلمرو زمانی از آبان تا بهمن‌ماه ۱۳۹۱ می‌باشد. سرانجام چهار معیار و ۲۲ زیرمعیار که گمان می‌رفت در کم‌رنگ‌شدن هنر قلم‌زنی مؤثر باشند، شناسایی و با شیوه سنجش مقایسه‌های زوجی با نرم‌افزار اکسپرت چویس^۱ رتبه‌بندی و وزن‌دهی شد. برآیندهای این بررسی نشان داد که بیشترین معیاری که در کاهش این هنر تأثیر داشته است، نداشتن برنامه‌ریزی‌های برای فرهنگ‌سازی و پشتیبانی هنرمند بوده که زیرمعیار ناامیدی هنرمند، در این معیار بیشترین وزن را به خود اختصاص داد. معیارهای دیگر نیز به ترتیب شرایط حاکم بر اوضاع سیاسی و اقتصادی کنونی جامعه، هنرمند و مشکلات پیش روی آن، و سبک و نقوش به‌دست آمد.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی عوامل مؤثر بر افول هنر قلم‌زنی.
۲. مشخص کردن عوامل مؤثر بر رونق هنر قلم‌زنی.

سؤالات پژوهش:

۱. عوامل مؤثر بر کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی کدامند؟
۲. آیا هنر قلم‌زنی در گذر زمان موقعیت خود را از دست داده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی / مروری

شماره ۲

دوره ۱

صفحه ۶۶ الی ۸۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

تاریخ داوری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

کلمات کلیدی

صنایع دستی،
افول،
قلم‌زنی،
هنر.

ارجاع به این مقاله

سامانی‌فر، سودابه، مروتی، علی. (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی در عصر حاضر. سفالینه، (۲)، ۸۱-۶۶.



[dori.net/dor/20.1001.1.2.43](https://doi.org/10.24779/20.1001.1.2.43)



dx.doi.org

مقدمه

صنایع دستی ایران امروزه و با گرایش به گذشته درخشان خود از ددرسرها و مشکلاتی رنج می‌برد. هنر قلمزنی نیز جدای از این امر نبوده است؛ به گونه‌ای که در سال‌های نزدیک، افت چشمگیری در رونق این هنر دیده می‌شود. از این رو حمایت از تولیدکنندگان صنایع دستی از اولویت خاصی برخوردار است. دست‌ساخته‌های هنری و هنرمندان فعال در این میدان، به دلیل ارتباط فعال و هماهنگی که با طبیعت دارند، از اهمیت ویژه‌های در زندگی اجتماعی دوره ما برخوردارند. با این‌رو، جای افسوس که بیشتر فعالان و کنشگران این شاخه از صنعت از پشتیبانی‌های فرهنگی و اقتصادی برخوردار نبوده و برای نداشتن توان گسترش امکانات فنی و مالی، در خطر کاهش بازده کیفی و کمی تولیدات خویش می‌باشند؛ این در حالی است که آنچه در چنین شرایط سختی تولید می‌کنند، افزون بر کاربری جاری مصرفی، یک اثر هنری با جلوه‌ای از آفرینندگی و زیبایی و پایه‌ای برای سرور و شادمانی انسانی و زنده‌دلی اجتماعی است. از این رو بررسی، شناساندن، آسیب‌شناسی و ارائه راهکارها برای شناخت و ماندگاری این هنر اهمیت دارد.

دست‌ساخته‌های سنتی ایران در گذر تاریخ چند هزارساله خود همواره از یک پویایی منطقی برخوردار بوده‌اند، به گونه‌ای که همواره خود را با پیشرفت دانش و فناوری هماهنگ ساخته‌اند و روندی هماهنگ با دیگر شاخه‌های علم و صنعت داشته‌اند. اما این روند منطقی از پایان دوره صفویه به این سو به دلیل جابجایی و تغییر مکان قدرت و ثروت از آسیا به اروپا و همچنین نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی در ایران تعادل خود را از دست می‌دهد و پیرو آن کم‌کم دست‌ساخته‌های سنتی ایران دچار ایستایی می‌شود (ریاضی، ۱۳۷۴: ۳۲). هنر قلمزنی یکی از هنرهای کهن در ایران است. بررسی دقیق آثار به دست آمده نشان می‌دهد که زادگاه بسیاری از صنایع دستی و هنرها ایران بوده و صنعت‌گران هنرمند ایرانی در گذر تاریخ، سهم شایسته‌ای در تکوین، گسترش و همگانی‌سازی صنایع دستی داشته‌اند و با ذوق و آفرینندگی خود به آثار هنری هر دوره غنای لازم را بخشیده‌اند (قره و یآوری، ۱۳۷۴: ۳۸). صنایع دستی به درستی نمود واقعی ارزش‌ها و سنت‌های انسان واقعی هستند که به دور از دسته‌بندی‌های جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی در عینیت‌بخشی به سه رکن بنیادین توسعه پایدار (سازواری و تطابق، نوگرایی و آفرینش و خلاقیت) نقش به‌سزایی دارند (هوشیار، ۱۳۸۵: ۱۷).

این صنایع به دلیل پتانسیل بی‌ماندیری که در اشتغال‌زایی، افزایش درآمد و سرانجام رشد اقتصاد ملی و همچنین رشد و آموزش نسل جوان دارند، همواره مورد توجه بسیاری از کارشناسان و فناوران بوده‌اند. هنر قلمزنی یکی از هواخواه‌ترین، باشکوه‌ترین و زیباترین آثار هنری، تاریخچه‌ای ژرف و درخور نگرش دارد. این هنر همچون دیگر صنایع دستی، از چهارچوب فرهنگ‌ها و بینش‌های فلسفی و ذوق و هنر انسان‌های هر منطقه با گرایش به دیدگاه‌های قومی آنان ساخته و پرداخته می‌شود (صرامی، ۱۳۸۴: ۴۹ و هوشیار، ۱۳۸۵: ۱۶). در این پژوهش، عوامل مؤثر بر کم‌رنگ شدن هنر قلمزنی با روش تحلیل سلسله مراتبی بررسی شد. این پژوهش بر مبنای ماهیت، از نوع پژوهش‌های بنیادی، و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، به روش کیفی انجام شده است. قلمرو مکانی میدان نقش جهان اصفهان، جامعه آماری،

هنرمندان قلمزن اصفهان برگزیده شده‌است. نمونه‌گیری از تعدادی قلمزن‌ها، تصادفی و قلمرو زمانی از آبان تا بهمن‌ماه ۱۳۹۱ دیده شده‌است.

تاکنون بررسی‌های گوناگونی درباره دروسها و سختی‌های صنایع دستی در کشورمان انجام شده است. (ریاضی؛ ۱۳۷۴: ۳۶-۳۲)، به بررسی مسائل و مشکلاتی که صنایع دستی با آن روبرو بوده است، پرداخت و دلایل گوناگون این سختی‌ها را بیان کرد و راه‌حلهایی برای بهبود وضع صنایع دستی ایران بیان نمود (صرامی؛ ۱۳۸۴: ۶۰-۴۹)، به بررسی انواع صنایع اصفهان و مشکلات آن پرداخت و برای بهبود شرایط و مطلوبیت صنایع دستی، راهکارهای لازم را ارائه داد (قره و یآوری؛ ۱۳۷۴: ۴۱-۳۸)، به بررسی نقش و جایگاه صنایع دستی در روند رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی پرداخت و یکی از پایه‌های بنیادین در این روند را شناخت عوامل مؤثر و تعیین سهم هر یک در روند توسعه بیان کرد. (ضرغام و عطرسایی، ۱۳۸۵: ۹۹-۸۱)، برپایه مدل سه وجهی اوه، پیوند بین ویژگی‌های جمعیت شناختی، ویژگی‌های محیطی/ موقعیتی مقصد و هزینه‌کرد گردشگران برای خرید صنایع دستی را بررسی کرد و آگاهی از رفتار مصرف‌کننده در بازاریابی و فروش صنایع دستی را یکی از موارد مهم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بیان کرد. (رضوانفر؛ ۱۳۸۵: ۷۰-۴۷)، به بررسی صنایع دستی از رویکرد مردم‌شناسی پرداخت تا درکی درست از صنایع دستی، جایگاه و نقش آن در چند سده اخیر به دست دهد و صنایع دستی را در دوره سنت یا پیش از دوره مدرن، مدرن و پسامدرن یا پست‌مدرن بررسی کرد (شریف‌زاده؛ ۱۳۸۵: ۱۹-۱۶)، به نقش هنر در تولید صنایع دستی پرداخت و یادآور شد آنچه می‌تواند صنایع دستی را از تکرار و پیروی کورکورانه نجات دهد، توجه به جنبه‌های هنری در صنایع دستی است.

در این پژوهش، برای تعیین عوامل مؤثر بر کم‌رنگ شدن هنر قلمزنی در سال‌های اخیر از روش تحلیل سلسله مراتبی توماس ساعتی^۱ بهره گرفته شد. از این‌رو ابتدا نسبت به شناسایی عوامل مؤثر در افت هنر قلمزنی اقدام شد. در پژوهش جاری به شناسایی عوامل مؤثر بر افت هنر قلمزنی با جمع‌بندی دیدگاه کارشناسان، صاحب‌نظران و هنرمندان این صنعت در قالب پرسش‌نامه‌های بسته-پاسخ پرداخته شد. سرانجام با جمع‌بندی دیدگاه‌های کارشناسان و هنرمندان این حرفه چهار عامل مهم بر افت هنر قلمزنی شناسایی شد. از آنجاکه ارجحیت عوامل نسبت به هم به نقش هر عامل در تأثیر آن در افت هنر قلمزنی دارد، یکی از راه‌های مقایسه اهمیت و تأثیرگذاری عوامل، محاسبه وزن اهمیت عوامل در جایگاه معیاری برای سنجش آن‌هاست. در محاسبه و برآورد اهمیت (وزن) هر عامل نسبت به عوامل دیگر، از روش مقایسات زوجی برپایه نظر کارشناسان و هنرمندان مرتبط بهره گرفته شد (Feng Kong and Hongyan Liu, ۲۰۰۵: ۴۰۸). و روش تحلیل سلسله‌مراتبی برای ارزیابی اوزان مؤثر در تصمیم‌گیری به کار گرفته شد. در این روش ماتریسی از عوامل مختلف مؤثر در ارزیابی عوامل مؤثر بر افت هنر قلمزنی تشکیل و در سنجش زوجی عوامل، اهمیت عوامل از بی‌نهایت، کم‌اهمیت تا بی‌نهایت مهم رتبه‌بندی شد. اهمیت عوامل در هر مرتبه با عددی بین «۱» تا «۹» بیان

۱. Tomas L. Saaty, ۱۹۹۴: ۲۳

توماس ساعتی استادیار دانشگاه Pittsburgh پژوهشگری عراقی است که بنیان‌گذار فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP می‌باشد.
(http://www.modir.rozblog.com/post/۱۶۶)

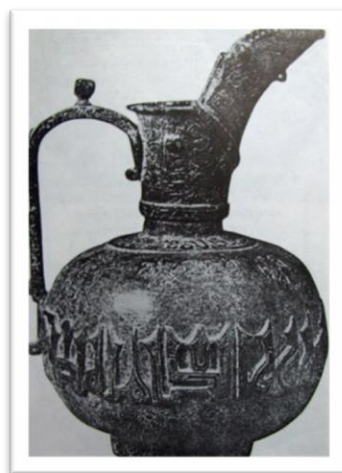
شده است. اعداد مربوط به درجه اهمیت نسبی عوامل با پرسشنامه، مصاحبه و جمع‌بندی دیدگاه ۳۰ نفر از هنرمندان و کارشناسان فعال در زمینه هنر قلم‌زنی به دست آمد. روش تحلیلی سلسله مراتبی با محاسبه میانگین هندسی هر ردیف و ستون و سنجش آن‌ها با یکدیگر، وزن هر عامل را در کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی به دست می‌آورد که این محاسبات با نرم‌افزار اکسپرت چویس ۱۹ انجام شد. وزن هر عامل نشان‌دهنده درجه اهمیت آن در افول هنر قلم‌زنی است. (جدول ۱)

۱. هنر قلم‌زنی

هنر قلم‌زنی که بیانگر فرهنگ و تمدن قوم ایرانی است، در دوره‌های گوناگون، تنوع بالایی را در نوع تزیینات، تکنیک‌های به‌کار رفته، مواد و مصالح به‌کاربرده شده، نوع خط نگاره‌ها و محتوای آثار نشان می‌دهد. (تصویر ۱ تا ۴)



تصویر ۱- بشقاب زرین ساخته‌شده از طلای ناب، سده پنجم ق.م (احسانی، ۱۳۸۶).



تصویر ۲- پارچ از مفرغ ریختگی، سلجوقی (احسانی، ۱۳۸۶)

^۹ - Expert choice



تصویر ۳- بشقاب، ساسانی (حمزه‌لو، ۱۳۸۳).



تصویر ۴- ظرف مسی، صفوی (احسانی، ۱۳۸۶).

امروزه با توجه به افزایش جمعیت، هجوم ماشین، تولید انبوه و ارزان همه گونه کالا، کمبود مواد اولیه محلی و تغییرات الگوهای مصرف، صنایع دستی و محصولات آن با همه ارزش و اهمیتی که دارد از رونق زیاد و مورد انتظاری حتی در محیط‌های هنری مانند اصفهان برخوردار نیستند و اگر این شرایط ادامه یابد، خطر رکود بیشتر و حتی نابودی کامل آن می‌رود (صرامی، ۱۳۸۴: ۵۱). حال با چنین شرایط حساس کنونی که جهان از بحران گسترده تخریب محیط‌زیست و نابسامانی‌های اقتصادی در رنج است، ارایه راهکارهایی برای پشتیبانی از آن دسته از عوامل معنوی و اجتماعی که پشتوانه حیات و سلامت جامعه می‌باشند، ضروری است (آریا، ۱۳۸۱: ۲۹).

شهر اصفهان از دیرزمان برای شناخته‌شدنش، معروفیت، مرکزیت، هوشمندی و ذوق مردم، پیشینه هنری و نیز توانش و شایستگی هنری گاهواره هنر و تجلی‌گاه زیبایی‌های ایران بوده است. هنرهایی مانند مینیاتور، قالی‌بافی، قلم‌زنی و ده‌ها هنر دیگر که در جهان، چه از دید تیزنگری، ظرافت و چه از دید ذوق و نوآوری بی‌ماند بوده که دستاورد هنرمندی

هنرمندان این سرزمین است (صرامی، ۱۳۸۴: ۵۱). از این رو باید برای پایایی و رونق صنایع دستی و از بین بردن سختی‌های آن کوشید تا افزون بر بهره‌مندی اقتصادی و فرهنگی و شهرت ملی و بین‌المللی این صنعت مادی و معنوی نیز نگهداشت و پایدار گردد. برای این، در این بررسی از روش تحلیل سلسله مراتبی برای بررسی عوامل مؤثر بر کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی در کشورمان در سال‌های نزدیک، با نرم‌افزار اکسپرت چویس^۱ پرداخته شد.

۲. بررسی عوامل افت قلم‌زنی در دوره کنونی

جدول (۱) یکی از نمونه‌های پرسش‌نامه پرشده، از سوی یکی از قلم‌زنان در نسبت مقایسه‌ای بین دو معیار و زیرمعیارها می‌باشد. در همه این موارد هر عامل با تمام عامل‌های دیگر مقایسه زوجی شده‌اند، که در کل هر هنرمند به ۱۱۱، مقایسه زوجی بین عوامل رتبه داده‌است. سرانجام از مجموع رتبه‌های داده‌شده، از سوی ۳۰ هنرمند، درصد میزان تأثیر هر یک توسط نرم‌افزار به دست آمده‌است. برای نمونه در بررسی معیار مقایسه‌ای تحریم به تورم، رتبه‌ای که از سوی یکی از قلم‌زنان داده‌شده است، عدد ۲ به معیار تورم است؛ به این معنا که تورم دوبرابر نسبت به تحریم، در کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی تأثیر دارد و یا در بررسی مقایسه‌ای حضور کم‌رنگ گردشگران نسبت به صادر نشدن آثار، عدد ۴ به این معیار، داده‌شده است. و بنا به دیدگاه هنرمند در مقایسه معیار برگزاری نشدن سمینار و اطلاع‌رسانی نسبت به ناآگاهی مردم از هنر قلم‌زنی، عدد ۸ را به خود اختصاص داده و بیشترین تأثیر را داشته‌است و همچنین معیارهای دیگر به همین صورت مقایسه و رتبه‌بندی شده‌اند.

^۱ - Expert Choice

جدول ۱- نمونه تکمیل شده از وزن دهی به معیارها و زیرمعیارهای بررسی شده در پژوهش (برپایه وزن سطر به ستون)

گزاره نگرانی سمنارها و نبود جایگزین شدن هنر پشتیبانی نکردن نامیدی هنرمند تبدیل شدن به حرفه ناآگاهی مردم از هنر تأثیر هنر غرب پس از نندیدن روحیه حاکم تفاوت سلیقه میان تلاش برای نگهداشت به کار گیری نقوش نبود نشست های هنری کاربردناشناسی نوآوری زیاد شدن قشر فعال تشویق نکردن هنرمند تقلید آثار کم رنگ شدن ذوق آثار قلمزنی چینی صادر نشدن آثار حضور کم رنگ تورم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	
تحریم																					
تورم																					
حضور کم رنگ گردشگران																					
صادر نشدن آثار																					
آثار قلمزنی چینی																					
کم رنگ شدن ذوق هنری																					
تقلید آثار																					
تشویق نکردن هنرمند																					
زیاد شدن قشر فعال																					
کاربرد نداشتن نوآوری																					
نبود نشست های هنری																					
به کار گیری نقوش تکراری																					
تلاش برای نگهداشت سبک قدیمی																					
تفاوت سلیقه میان هنرمند و خریدار																					
ندیدن روحیه حاکم																					
تأثیر هنر غرب پس از صفویه																					
ناآگاهی مردم از هنر قلمزنی																					
تبدیل شدن به حرفه شغلی																					
نامیدی هنرمند																					
پشتیبانی نکردن سازمان های مربوطه																					
جایگزین شدن هنر مدرن																					

۲-۲- تقلید آثار از یکدیگر

۳-۲- تشویق نکردن هنرمند

۴-۲- رقابت زیاد به دلیل افزایش قشر فعال

۵-۲- کاربرد نداشتن نوآوری در طراحی و اجرا

۶-۲- برگزار نکردن نشست‌های هنری در میان هنرمندان

۳- سبک و نقوش

بر پایه گفتگو با هنرمندان قلم‌زن، همواره تلاش برای نگهداشت سبک قدیمی در بین هنرمندان دیده می‌شود. تغییر سلیقه و گرایش‌ها بین هنرمند و خریدار سبب شکل‌گیری تضاد بین آن‌ها می‌شود که به نوبه خود می‌تواند بر رونق و پیشرفت این هنر تأثیر به‌سزایی داشته باشد. از آنجاکه روحیه روان‌شناختی در دوره مدرن با تغییر زیادی روبه‌رو بوده‌است، به‌گونه‌ای که انسان امروزی بیشتر با خطوط و نقوش خشن، پایدار و ثابت پیوند می‌یابد که دلیل آن نیز شرایط زندگی مدرن و ابزارهای به‌کاربرده شده‌است که سبب تغییر سلیقه و گرایش‌های روحی انسان امروزی شده است. این معیار به چهار زیرمعیار زیر بخش‌بندی شد:

۱-۳- تلاش هنرمند برای نگهداشت سبک و سنت قدیمی

۲-۳- تفاوت سلیقه میان هنرمند و خریدار

۳-۳- ندیدن روحیه حاکم بر جو کنونی

۴-۳- تأثیر هنر غرب پس از دوره صفویه

۴- نبود برنامه‌ریزی‌های لازم برای فرهنگ‌سازی و نبود پشتیبانی از هنرمند

صنایع دستی نقش مؤثری بر رونق اقتصادی هر کشوری دارد. از این رو با اجرای برنامه‌ریزی‌های دقیق باید زمینه‌ای را فراهم ساخت تا جایگاه و شکوه این هنر نگه داشته‌شود. نبود پشتیبانی لازم از این صنعت سبب تبدیل شدن این هنر به حرفه شغلی و منبع درآمد هنرمند و سرانجام فاصله گرفتن آن با روح این هنر شده‌است. در این بررسی این معیار به پنج زیرمعیار زیر بخش‌بندی شد:

۱-۴- تبدیل شدن هنر قلم‌زنی به حرفه شغلی و منبع درآمد

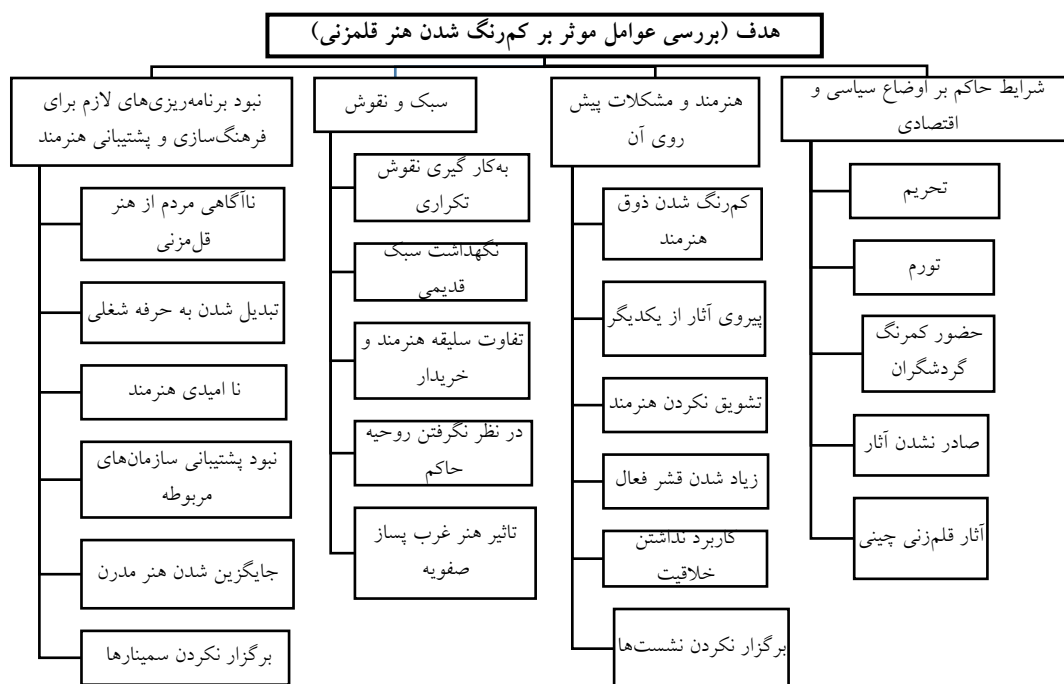
۲-۴- نبود پشتیبانی لازم از هنرمند

۳-۴- برگزار نکردن نمایشگاه‌های داخلی و خارجی

۴-۴- جایگزین شدن هنر مدرن در قالب دکوراسیون منازل

۴-۵- نبود اطلاع‌رسانی به مردم و برگزار نکردن سمینارها

با توجه به آنچه بیان شد، چارتی از معیارها و زیرمعیارهای بررسی شده در این پژوهش در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱- روش تحقیق

در این بررسی برپایه هدف پژوهش که شناسایی عوامل مؤثر بر کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی بود، پس از تکمیل پرسش‌نامه از سوی هنرمندان قلم‌زن، به وزن‌دهی معیارهای اصلی و زیر معیارها با نرم‌افزار اکسپرت چویس پرداخته شد. برآیندهای مقایسات زوجی و وزن‌دهی معیارها به ترتیب اولویت معیارها به صورت زیر به دست آمد.

۱- نبود برنامه‌ریزی‌های لازم برای فرهنگ‌سازی و پشتیبانی هنرمند: برآیند این پژوهش نشان داد که بالاترین تأثیر در کاهش هنر قلم‌زنی (۰/۴۱۱) مربوط به این معیار بود (جدول ۲). از آنجاکه نبود برنامه‌ریزی لازم برای فرهنگ‌سازی و پشتیبانی هنرمند، مهم‌ترین نقش را در افت هنر قلم‌زنی ایفا می‌کند، از این رو بررسی و برنامه‌ریزی‌های دقیق، پشتیبانی دولت، اهمیت بخش خصوصی و ارایه راهبردها و راهکارها از سوی پژوهشگران ضروری است. زیرمعیار ناامیدی هنرمند از سوی حمایت‌های لازم نیز از بین شش زیرمعیار این معیار بالاترین وزن (۰/۲۴۴) را به خود اختصاص داد. (جدول ۲)

۲- شرایط حاکم بر اوضاع سیاسی و اقتصادی کنونی جامعه: دومین عاملی بود که به نوبه خود در مسائل و سختی‌هایی که هنر قلم‌زنی با آن روبروست، تأثیرگذار بود و مقدار وزن این معیار ۰/۳۵۶ به دست آمد (جدول ۲). در این معیار پنج زیرمعیار بررسی شد که بالاترین وزن (۰/۳۴۷) را زیرمعیار حضور کم‌رنگ گردشگران داخلی و

خارجی به خود اختصاص داد (جدول ۲). از آنجاکه صنعت گردشگری همواره یکی از راه‌های بهبود شرایط اقتصادی و رونق صنایع دستی هر کشور است، از این رو برنامه‌ریزی‌های دقیق درباره افزایش گردشگران داخلی و بیرونی کشور ضروری است. (Reza Abyareh, ۲۰۰۷: ۵۰)

۳- **هنرمند و مشکلات پیش روی آن:** سومین معیاری بود که همراه با زیرمعیارهای خود در افت این هنر، وزن ۰/۱۱۷ را به دست آورد. در این معیار شش زیرمعیار بررسی شد که تشویق نکردن هنرمند بالاترین وزن (۰/۲۴۳) را به خود اختصاص داد (جدول ۲). سختی و دشواری مشکلاتی که در مسیر یک هنرمند قلم‌زن می‌باشد، به شکلی ناخودآگاه انگیزه او را به ادامه کار کم‌رنگ می‌کند و به مرور هنرمند و اثر پدیدآمده او لطافت و زیبایی خود را از دست خواهد داد. از این رو یک هنرمند همواره نیاز به پشتیبانی و تشویق از سوی سازمان‌های مربوطه دارد که ضرورت برنامه‌ریزی‌های لازم برای تجلیل و بزرگداشت آثار هنرمندان را دوچندان می‌کند.

۴- **سبک و نقوش:** آخرین معیاری که از عوامل تأثیرگذار در کم‌رنگ شدن هنر قلم‌زنی در این پژوهش بررسی شد، معیار سبک و نقوش بود که کمترین وزن (۰/۱۱۷) را به خود اختصاص داد (جدول ۲). در این معیار نیز پنج زیرمعیار بررسی شد که زیر معیار ندیدن روحیه حاکم بر جو کنونی بیشترین وزن (۰/۲۶۶) را به دست آورد (جدول ۲). روحیه روان‌شناختی در دوره مدرن و کنونی با شرایط پیشین با تغییر زیادی روبرو بوده است به گونه‌ای که انسان امروزی بیشتر با خطوط و نقوش خشن، پایدار و ثابت پیوند می‌یابد که همه آن عوامل برگرفته از شرایط زندگی مدرن است. از این رو دیدن و پرداختن به روحیه حاکم بر جو کنونی در پیشرفت هنر قلم‌زنی می‌تواند تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

جدول ۲- وزن و اهمیت نسبی عوامل (معیار) و زیرعوامل (زیر معیارها) مؤثر بر افت هنر قلمزنی

وزن	معیار و زیرمعیار	وزن	معیار و زیرمعیار
۰/۱۱۷	سبک و نقوش	۰/۳۵۶	شرایط حاکم بر اوضاع سیاسی و اقتصادی
۰/۲۰۶	به کارگیری نقوش و طرح‌های تکراری	۰/۱۱۶	تحریم
۰/۱۴۴	تلاش هنرمندان برای نگهداشت سنت قدیمی	۰/۱۷۱	تورم
۰/۲۳۳	تفاوت سلیقه میان هنرمند و خریدار	۰/۳۴۷	حضور کمرنگ گردشگران داخلی و بیرونی
۰/۲۶۶	ندید گرفتن روحیه حاکم بر جو کنونی	۰/۲۳۵	صادر نشدن آثار به دیگر شهرها و کشورها
۰/۱۵۱	تأثیر هنر غرب پس از دوره صفویه	۰/۱۳۰	آثار قلمزنی چینی با قیمت مناسب‌تر
۰/۴۱۱	نبود برنامه‌ریزی‌های لازم برای فرهنگ‌سازی و پشتیبانی	۰/۱۱۷	هنرمند و مشکلات پیش روی آن
۰/۰۹۸	نا آشنایی و ناآگاهی مردم از هنر قلمزنی	۰/۱۶۸	کمرنگ شدن ذوق و قریحه هنری قلمزن
۰/۱۰۴	تبدیل شدن به حرفه شغلی و منبع درآمد	۰/۱۳۳	تقلید آثار از یکدیگر
۰/۲۴۴	ناامیدی هنرمند از پشتیبانی لازم	۰/۲۴۳	تشویق نکردن هنرمند
۰/۱۶۰	نبود پشتیبانی‌های سازمان‌های مربوطه در برگزاری نمایشگاه‌ها	۰/۱۰۵	زیاد شدن قشر فعال و رقابت زیاد
۰/۱۷۳	جایگزین شدن هنر مدرن در قالب دکوراسیون منازل	۰/۱۸۶	نبود کاربرد خلاقیت لازم در طراحی و اجرا
۰/۲۲۰	برگزار نکردن سمینارها و نبود اطلاع‌رسانی	۰/۱۶۴	نبود نشست‌های هنری

با توجه نتایج بررسی انجام شده و در نظر گرفتن معیارهای بیان شده، می‌توان به دنبال راهکارهای مناسب برای پایین آوردن نقش این عوامل در افت هنر قلمزنی بود که با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان برنامه‌ریزی‌های گوناگونی در رسیدن به این هدف انجام داد.

از آنجاکه نبود برنامه‌ریزی برای فرهنگ‌سازی و پشتیبانی هنرمند، مهم‌ترین نقش را در افت هنر قلمزنی دارد، از این رو بررسی و برنامه‌ریزی‌های دقیق، پشتیبانی دولت و ارایه راهبردها و راهکارها از سوی پژوهشگران ضروری است. برنامه‌ریزی‌هایی همچون آشنایی و اطلاع‌رسانی دانشجویان و هنرمندان صنایع دستی از چگونگی تولیدات دیگر کشورها (ریاضی، ۱۳۷۴: ۳۶)، جلوگیری از نقش واسطه‌ها (ریاضی، ۱۳۷۴: ۳۶)، بهره بردن از آثار صنایع دستی در اعطای جوایز و پاداش‌ها در مراکز دولتی (صرامی، ۱۳۸۴: ۵۹)، پدیدآوری بانک اطلاعات صنایع دستی (صرامی، ۱۳۸۴: ۵۹)، انجام تبلیغات جهانی (صادقی، ۱۳۸۱: ۷۴)، نمایش و بهره بردن از آثار صنایع دستی در مکان‌های عمومی، چاپ و انتشارات کتب و مجلات تخصصی صنایع دستی و آگاهی‌سازی مردم و اختصاص دادن شبکه رسانه‌ای ویژه صنایع دستی و تبلیغات و وارد شدن رسانه در بیان و شناساندن هنر صنایع دستی می‌تواند آینده روشن‌تری را برای این هنر باشکوه رقم بزند. از آنجاکه توسعه صنایع دستی همواره راه‌حلی برای رویارویی با بحران بیکاری شناسانده می‌شود، از این رو برنامه‌ریزی برای صادرات بیشتر این صنایع می‌تواند راه‌حلی برای رونق بخشیدن به این هنر باشد.

دومین عامل مؤثر بر افت هنر قلمزنی، شرایط حاکم بر اوضاع سیاسی و اقتصادی کنونی جامعه است که افسوس، با تنوع تولیدات صنایع دستی ایران و زیبایی، ظرافت و نژاده بودن تولیدات این صنعت، نبود برنامه‌ریزی اصولی و پشتیبانی‌ها و تشویق‌های مؤثر سبب شده‌است که سهم ایران در بازار جهانی محصولات صنایع دستی بسیار اندک باشد. برای انجام صادراتی موفقیت‌آمیز، تولیدکنندگان صنایع دستی نیاز دارند بتوانند محصولات خود را هم‌سو با کمیت، کیفیت، طرح، قیمت و زمان‌بندی مورد درخواست خریدار خارجی عرضه کنند. ارایه راهکارهایی همچون تجارت الکترونیک (دردچی، ۱۳۷۹: ۴۴)، تشویق و گسترش صنعت گردشگری (صرامی ۱۳۸۴: ۵۸)، تخصیص بخش خصوصی بازرگانی (صرامی، ۱۳۸۴: ۵۸)، تربیت و آموزش‌های لازم صادرکنندگان برای فروش و صادر کردن آثار صنایع دستی، علمی و دانشگاهی (صنایعی، ۱۳۸۳: ۴۰؛ دردچی، ۱۳۷۹: ۴۴)، گسترش فعالیت‌های بازاریابی (نصری، ۱۳۷۴: ۸۸)، گسترش شرکت‌های تعاونی تولید و توزیع صنایع دستی (صرامی، ۱۳۸۴: ۵۹؛ صنایعی، ۱۳۸۳: ۴۱)، حمایت‌های مالی و بین‌المللی از برنامه‌های توسعه بازار، رقابت در بازارهای جهانی با کشور چین، هند و ... (دردچی، ۱۳۷۹: ۴۳)، سیستم درست توزیع و بازاریابی (نصری، ۱۳۷۴: ۸۸)، گسترش مراکز پژوهش و پشتیبانی از آن‌ها، سیستم اطلاع‌رسانی و تبلیغات برای دسترسی آسان و سریع به اطلاعات، منابع و مواد و نیازمندی‌های بازار می‌تواند در رونق بخشیدن به این هنر تأثیر به‌سزایی داشته‌باشد.

هنرمند و مشکلات پیش روی آن، سومین عامل افت هنر قلمزنی معرفی شد. بنابراین، این شرایط نیازمند فکر و اندیشه قاطع و ضربتی مانند تشویق هنرمندان به دقت، ریزه‌کاری و نوآوری در کارهای دستی (صرامی، ۱۳۸۴: ۵۹؛ ریاضی، ۱۳۷۴: ۳۶)، برپایی کلاس‌های آموزشی برای هنرمندان و آگاه نمودن آن‌ها از نیازهای بازار (ریاضی، ۱۳۷۴: ۳۶)، تدوین برنامه‌ریزی‌های لازم برای تولیدکنندگان غیرسنتی (ریاضی، ۱۳۷۴: ۳۵)، نوآوری (هوشیار، ۱۳۸۵: ۲۰؛ رستم بیگی، ۱۳۸۸: ۴) و بسته‌بندی، تدوین برنامه‌ریزی‌هایی برای ثبت طرح و سبک هنرمندان در راستای از بین بردن تقلید آثار از یکدیگر، برپایی نشست‌های هنری در میان هنرمندان می‌تواند گامی مهم در راستای رونق بخشیدن به این صنعت و حفظ ارزش‌های قومی و فرهنگی باشد.

آخرین عامل در این بررسی، سبک و نقوش است. تغییر سبک و شیوه زندگی در قالب زندگی مدرن و تغییر گرایش و دیدگاه اقشار جامعه نیازمند هم‌رنگ شدن با روحیه حاکم بر جامعه می‌باشد. این هم‌رنگ شدن می‌تواند با تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی کشورمان و کم کردن تأثیر هنر غرب (نصری، ۱۳۷۴: ۸۶)، هماهنگی صنایع دستی کنونی با ذوق، ابتکار و روحیه جامعه این‌دوره و هماهنگ شدن نمای ظروف با هنر مدرن با به‌کارگیری نقوش و طرح‌های نوین باشد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق برای شناسایی عوامل مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی، به بررسی عوامل اساسی و زیرمعیارهای مرتبط با هر کدام پرداخته شده‌است. نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده تأثیرگذاری همه عواملی است که هر یک به‌نوبه خود در سختی‌ها و دردهای هنر قلم‌زنی دخیل هستند. با توجه به نقش بسیار مهم نبود برنامه‌ریزی برای فرهنگ‌سازی و پشتیبانی هنرمند به‌عنوان نخستین عامل افت هنر قلم‌زنی، بررسی و برنامه‌ریزی‌های دقیق، پشتیبانی دولت، ارایه راهبردها و راهکارها از سوی پژوهشگران در راستای کاهش تأثیر این عامل ضروری است.

دومین عامل مؤثر بر افت هنر قلم‌زنی، می‌تواند شرایط حاکم بر اوضاع سیاسی و اقتصادی کنونی جامعه باشد که کاهش بازده کیفی و کمی تولیدات هنر قلم‌زنی را در پی داشته‌است؛ از این‌رو برنامه‌ریزی درست در راستای صادرات بیشتر این صنایع و ایجاد بازار رقابت بین قشر فعال در این عرصه می‌تواند شرایط مناسبی برای رونق بخشیدن به این هنر و افزایش بازده تولید فراهم نماید.

در ادامه می‌توان هنرمند و مشکلات پیش روی آن را سومین عامل افت هنر قلم‌زنی معرفی کرد که به شکلی ناخودآگاه، کمرنگ شدن انگیزه ادامه کار و ازدست دادن لطافت و ریزه‌کاری اثر پدید آمده از سوی هنرمند را در پی دارد. تدوین و برنامه‌ریزی برای ثبت طرح و سبک هنرمندان در راستای نبود تقلید آثار از یکدیگر می‌تواند گامی مهم در راستای رونق بخشیدن به این صنعت و حفظ ارزش‌های قومی و فرهنگی باشد.

در این بررسی، سبک و نقوش، آخرین عامل تأثیرگذار در افت هنر قلم‌زنی تعیین شد. تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی کشور و کم کردن تأثیر هنر غرب، هماهنگی صنایع دستی با ذوق، ابتکار و روحیه جامعه معاصر می‌تواند باعث کاهش تأثیرگذاری این عامل شود.

با توجه به عوامل گفته‌شده و برای نگهداشت ارزش‌های قومی و فرهنگی، صنعت ارزشمند قلم‌زنی نیازمند فکر و اندیشه استوار می‌باشد که در این میان مسئولان ذی‌ربط باید در راستای پیشبرد جایگاه صنایع دستی، کاربردی کردن محصولات، افزایش خدمات به صنعت‌گران، شناساندن و ارایه راهکارهای مناسب برای آشنایی کشورهای دیگر با هنرهای دستی ایران تلاش کنند. هرچند در راه توسعه و باززنده‌سازی صنایع دستی ایران، سازمان صنایع دستی کشور، مرکز توسعه صادرات ایران و سازمان میراث فرهنگی گام‌های مهمی برداشته‌اند، اما رونق و پیشرفت این هنر نیازمند همکاری بیشتر سازمان‌های ذی‌ربط با هنرمندان و کارشناسان این صنعت می‌باشد. امید است که آنچه گفته‌شد در بهبود شرایط کنونی صنایع دستی ایران مؤثر باشد.

منابع

کتاب‌ها

احسانی، محمدتقی. (۱۳۸۶). «هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

حمزه لو، منوچهر. (۱۳۸۳). «هنر قلمزنی در ایران»، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مقالات

آریا، هوشنگ. (۱۳۸۱). «برنامه عملی جهانی برای بهبود وضعیت صنایع دستی»، نشریه اقتصاد- نامه اتاق بازرگانی، شماره ۴۰۹، صص ۲۸-۳۰.

درودچی، خلیل. (۱۳۷۹). «تغییر شیوه سنتی تولید صنایع دستی برای رشد صادرات آن ضروری است»، نشریه اقتصاد- بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۷، صص ۴۲-۴۵.

رستم بیگی، ثمین. (۱۳۸۸). «ضرورت خلاقیت در آموزش صنایع دستی»، رشد آموزش هنر، شماره ۲، صص ۴-۷.

رضوانفر، مرتضی. (۱۳۸۵). «صنایع دستی و مدرنیته- تحلیلی مردم شناختی از ابعاد نظری صنایع دستی»، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری- کتاب ماه هنر، شماره ۹۹ و ۱۰۰، صص ۴۷-۷۰.

ریاضی، محمدرضا. (۱۳۷۴). «نگاهی اجمالی به مسائل و مشکلات صنایع دستی ایران»، فرهنگ و هنر- جلوه هنر، شماره ۴، صص ۳۲-۳۶.

شریف‌زاده، سید عبدالمجید. (۱۳۸۵). «نقش هنر در تولید صنایع دستی»، نشریه فرهنگ و هنر- رشد آموزش هنر، شماره ۷، صص ۱۶-۱۹.

صادقی، مهدی. (۱۳۸۱). «آسیب‌شناسی صنعت تبلیغات در ایران و چند راهکار پیشنهادی»، هنر هشتم، شماره ۲۷، صص ۷۱-۷۵.

صرامی، حسین. (۱۳۸۴). «صنایع دستی اصفهان و مشکلات آن»، نشریه جغرافیا- فضای جغرافیایی، شماره ۱۳، صص ۴۹-۶۰.

صنایعی، علی. (۱۳۸۸). «بررسی مسائل، مشکلات و راهکارهای علمی توسعه صادرات تعاونی‌های صنایع دستی استان اصفهان»، دفتر تحقیقات و پژوهش وزارت تعاون، شماره ۱۶۱، صص ۴۰-۴۱.

ضرغام، حمید و عطرسایی، بنفشه. (۱۳۸۵). «رابطه عوامل جمعیت شناختی و رفتار خرید صنایع دستی گردشگران اروپایی در اصفهان»، نشریه اقتصاد- مطالعات گردشگری، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۸۱-۹۹.

قره، محمد و یآوری، حسین. (۱۳۷۴). «نقش و جایگاه صنایع دستی در روند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور»، نشریه فرهنگ و هنر، شماره ۴، صص ۳۸-۴۱.

نصری، شهین. (۱۳۷۴). «پیشنهادهایی جهت بازاریابی موفق در صادرات صنایع دستی»، نشریه اقتصاد- بررسی‌های بازرگانی، شماره ۹۹، صص ۸۴-۹۰.

هوشیار، مهران. (۱۳۸۵). «صنایع دستی، دیروز، امروز، فردا- بررسی جایگاه تکنولوژی در صنایع دستی و حفظ هویت فرهنگی دنیای امروزه»، رهپویه هنر، شماره ۱، صص ۱۶-۲۱.

- لاتین

- Feng Kong, Hongyan Liu, (۲۰۰۵), "Applying Fuzzy Analytic Hierarchy Process to Evaluate Success Factors of E-Commerce" International Journal of Information and Systems Science ۱, pp. ۴۰۶-۴۱۲.
- Abyareh, Reza, (۲۰۰۷), "Tourism Attractions and their influence on Handicraft Employment in Isfahan" Ma, ster of Tourism and Hotel Manage ment in Lulea University of Technology, pp. ۱-۷۵.
- Tomas L. Saaty, (۱۹۹۵), "Fundamentals of Decision Making and Priority Theory with the AHP" (RWS Publications, Pittsburgh, PA, USA).

سایت اینترنتی

-<http://www.modir.rozblog.com/post/۱۶۶,۱۳۹۳/۰۷/۰۱,۲۲:۱۳pm>.